

بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی مؤثر بر میانگین سن ازدواج زنان در سه دهه گذشته (۸۵-۵۵)

دکتر جعفر هزارجریبی*
پروانه آستین فشان**

چکیده

هدف اصلی این مقاله، بررسی روند تحولات میانگین سن ازدواج زنان و عوامل اجتماعی - جمعیتی مؤثر بر آن طی سال‌های ۸۵ - ۵۵ در سطح استان‌ها به تفکیک مناطق شهری و روستایی است. بدین منظور، ابتدا با مطالعه تئوری‌ها و تحقیقات انجام‌شده در این زمینه، چارچوب نظری تحقیق، تدوین و سپس از طریق داده‌های سرشماری مرکز آمار ایران طی سال‌های مذکور و نرم‌افزار SPSS شاخص‌های مورد نیاز ساخته و وارد معادله رگرسیون چندمتغیره شد.

نتایج حاصل از بررسی، حاکی از آن است که میانگین سن ازدواج زنان در مناطق شهری و روستایی طی چهار سرشماری بیش از یک سال افزایش یافته است؛ همچنین تفاوت قابل توجهی بین میانگین سن ازدواج زنان روستایی و شهری دیده نشد. از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر این افزایش طی چهار دوره، می‌توان به میزان بیکاری، نرخ مشارکت اقتصادی زنان، میزان تحصیلات عالی و میزان باسوادی اشاره کرد.

واژگان کلیدی: ازدواج زنان، عوامل اجتماعی - اقتصادی، میانگین سن ازدواج، بیکاری، مشارکت اقتصادی زنان

E-mail: jafar-hezar@yahoo.com

E-mail: p_Astinfeshan@yahoo.com

* دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی

** پژوهشگر ارشد علوم اجتماعی

مقدمه

نهادهای اجتماعی وسیله پیوند زندگی اجتماعی هستند. آنها ترتیبات اساسی زندگی را که انسان‌ها در کنش متقابل با یکدیگر پیدا می‌کنند و از طریق آنها تداوم در طول نسل‌ها به دست می‌آید فراهم می‌کنند. ازدواج، به عنوان عامل مهمی برای پایه‌گذاری خانواده، نهاد اصلی جامعه را تحقق می‌بخشد.

تعاریف متعددی از ازدواج ارائه شده است که به دو نمونه از آن اشاره می‌شود:

«ازدواج، عملی است که پیوند بین دو جنس را بر پایه روابط پایای جنسی موجب می‌شود؛ بنابراین، رابطه دو فرد از یک جنس چه به طور موقت و چه دائم ازدواج خوانده نمی‌شود. از سوی دیگر، در تعریف ازدواج، روابط جسمانی بین دو جنس مخالف به خودی خود کافی به نظر نمی‌رسد؛ چه ازدواج مستلزم انعقاد قراردادی اجتماعی است که مشروعیت روابط جسمانی را موجب می‌شود (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۲۳).

«کارلسون»^۱ (۱۹۶۳: ۳۱) در اثرش «انطباق‌پذیری و ارتباط در ازدواج»، این تعریف را از ازدواج به دست می‌دهد: «ازدواج فرایندی است از کنش متقابل بین دو فرد، یک زن و یک مرد که، برخی شرایط قانونی را تحقق بخشیده‌اند و مراسمی برای برگزاری زناشویی خود برپا داشته‌اند و به طور کلی عمل آنان مورد پذیرش قانون قرار گرفته و بدان ازدواج اطلاق شده است».

هر چند امر ازدواج به عنوان یک عمل ارادی انسان، تابع خواست، تمایلات و دیدگاه‌های فردی است، اما زندگی اجتماعی انسان و روابط پیچیده او با پیرامونش، شرایط وقوع ازدواج را تحت روابطی دوسویه با متغیرهای اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی و حتی سیاسی قرار می‌دهد و به عنوان یک پدیده اجتماعی مورد توجه جامعه‌شناسان، جمعیت‌شناسان و اندیشمندان این حوزه مطالعاتی است.

سن بلوغ جسمی، روانی و اجتماعی به دلیل وجود امکانات بیشتر و هجوم اطلاعات سرسام‌آور و رشد فزاینده تغییر و تحولات اجتماعی و خانوادگی در سال‌های اخیر زودرس‌تر شده است؛ یعنی اینکه سن بلوغ روانی، اجتماعی از رشد چشمگیری برخوردار بوده است و به تبع آن آمادگی برای ازدواج و تشکیل خانواده مسلماً باید بیشتر شود، اما اینکه سن ازدواج در مقایسه دو دهه گذشته بالاتر رفته است، به عوامل متعددی بستگی دارد. عوامل فردی و درونی از یک سو و جو عمومی حاکم در اجتماع از سوی دیگر، می‌تواند ازدواج را تقویت یا تضعیف کند. آنچه که مهم می‌نماید، این است که، چه عواملی می‌تواند، زمینه‌ساز برانگیختگی آدمی برای ازدواج یا عدم ازدواج باشد. رشد پیچیدگی‌های زندگی به خصوص در شهرها و بروز و ظهور مسائل و

1. Karlsson, 1963: 31

مشکلات متعدد، برانگیختگی آدمی را تحت الشعاع قرار داده است و ازدواج را به تعویق می‌اندازد و مهم‌تر اینکه نقش اساسی در یک ازدواج پایا و پویا را عوامل پیونددهنده بنیادین مشترک شکل می‌دهد.

با توجه به تغییر و تحولات فرهنگی به نظر می‌رسد، جست و جو و دریافت عوامل مشترک در بین افراد کمتر باشد. به همین جهت آن انگیزه‌ای که در دهه‌های گذشته در بین افراد برای ازدواج وجود داشت، فعلاً کمتر شده است. ازدواج به عنوان امری مقدس، همراه با ارزش‌های خاص اجتماعی، در حال حاضر تحت الشعاع مسائل دیگری قرار گرفته است. در حال حاضر، از عمومیت و میزان ازدواج به خصوص در مناطق شهری کاسته شده و سن ازدواج به واسطه عواملی نظیر افزایش سطح تحصیلات و اشتغال زنان، میزان شهرنشینی رو به افزایش گذارده است؛ بدین ترتیب، شاهد تحولاتی در الگوی ازدواج یعنی حرکت از ازدواج‌های زودرس به سمت ازدواج‌های دیررس هستیم.

از اثرات منفی بالا رفتن سن ازدواج می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- تخریب و تهدید بهداشت روانی،
- ایجاد موانع و سدهای مهارکننده در راستای رشد و تعالی روحی، روانی،
- بروز و ظهور اختلالات و بیماری‌های روانی و اجتماعی مانند افسردگی، اضطراب، اعتیاد و بزهکاری اجتماعی؛

- به هدر رفتن انرژی عظیم افراد که مانع از رشد و اعتلای اجتماعی می‌شود؛
- ازدواج در سنین بالا بدان معناست که جوانان باید دوره‌ای طولانی را در خویشتن‌داری جنسی بگذرانند؛ زیرا همه مذاهب به خصوص اسلام برقراری هر نوع تماس جنسی را جز بین زن و شوهر حرام می‌داند و جوانان حدود ۱۰ سال فاصله بین بلوغ جسمی و ازدواج را باید بکر باقی بمانند؛

- افزایش فاصله سنی والدین و فرزندان و ایجاد اختلاف در سلايق و دیدگاه‌های دو نسل درون خانواده (سلطانپور، ۱۳۷۹: ۱۲).

با توجه به اثر مثبت ازدواج از جمله فرزندآوری و اجتناب از گناه و معصیت (کتابی، ۱۳۷۹، به نقل از غزالی) و اثرات منفی افزایش سن ازدواج، مطالعه‌ای در این باب برای روشن شدن وضعیت و عوامل مؤثر بر آن به شیوه علمی و واقع‌نگر ضروری به نظر می‌رسد. از سوی دیگر، بررسی سیر تحول، سن ازدواج و عوامل موجد تغییرات آن، امکان برنامه‌ریزی و اعمال سیاست‌های مناسب و اتخاذ تدابیر و برنامه‌های عملی برای کاهش سن ازدواج و هماهنگی آن با بلوغ جسمی و روانی را برای کارشناسان و دست‌اندرکاران اجرایی فراهم می‌آورد. ازدواج با باروری در هر جامعه به ویژه در جوامعی که برنامه تنظیم خانواده به صورت جدی رعایت نمی‌شود، رابطه دارد. هر قدر سن ازدواج پایین باشد، دوره باروری طولانی‌تر می‌شود. تحقیقات مختلفی در زمینه تحولات ازدواج در کشور صورت گرفته

است ولی عمده این تحقیقات، تحولات ازدواج در سطح کشور را بررسی کرده و تحلیل اندکی در سطح استان به تفکیک شهر-روستا انجام شده است.

در این مقاله، سعی می‌شود، روند تحولات سن ازدواج در سطح استان به تفکیک شهر-روستا مورد مطالعه قرار گیرد و به منظور بررسی عوامل مؤثر بر تحولات فوق، از طریق رگرسیون چندمتغیره برخی ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی استان‌ها نیز محاسبه شده است و تأثیر آنها بر میانگین سن ازدواج (متغیر وابسته) سنجیده می‌شود.

اهداف تحقیق

قصد بر آن است، روند تحولات خانواده و ازدواج طی سال‌های ۸۵-۱۳۵۵ به صورت اجمالی بررسی شود و سپس پاره‌ای از عوامل مؤثر بر این تغییرات از طریق رگرسیون چندمتغیره تحلیل شود؛ بنابراین، اهداف تحقیق را می‌توان در دو بند به طور خلاصه نوشت:

۱. بررسی روند تحولات میانگین سن در اولین ازدواج طی دهه‌های ۸۵-۱۳۵۵،
۲. بررسی تأثیر برخی از عوامل اجتماعی جمعیتی (میزان تحصیلات، نرخ مشارکت اقتصادی، میزان شهرنشینی، میزان بیکاری و نسبت جنسی) بر میانگین سن در اولین ازدواج.

طرح مسئله

اکثر کشورهای غیرصنعتی به ویژه کشورهای آسیایی مانند ایران شاهد تحولات عمیقی در تمامی ابعاد (فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی) و گذر از الگوهای سنتی به سمت الگوهای مدرن هستند؛ به طور مثال، در مورد ابعاد جمعیتی، شاهد مرحله انتقالی باروری هستیم و جامعه به سمت کاهش و تحدید مولید پیش می‌رود. در مورد ازدواج هم شاهد تغییر و تحولاتی در آداب و رسوم آن هستیم. طی نیمه اول قرن بیستم تا ۱۹۷۰ الگوی غالب در اکثر کشورهای آسیایی ازدواج‌های زودرس و عمومیت آن حاکم بوده است، اما در حال حاضر، در تمامی کشورهای آسیایی به جز کشورهایی که در جنوب آسیا واقع هستند، میانگین سن در اولین ازدواج زنان بالای ۲۰ سال است. از سوی دیگر، در اجتماعات سنتی و مذهبی مثل ایران، روابط جنسی خارج از محدوده ازدواج، اقدامی خلاف تلقی می‌شود؛ در نتیجه، در وضعیت فعلی، شاهد شکاف و فاصله‌ای عمیق بین سن بلوغ و سن ازدواج هستیم که، ممکن است در سلامت روحی و روانی افراد جامعه تأثیر بسزایی داشته باشد. جوانی ساختار جمعیت ایران نیز بر اهمیت موضوع فوق می‌افزاید؛ (آقاجانیان^۱، ۱۹۹۷) از این رو، مطالعه روند تحولات سن ازدواج در جامعه و روابط آن با تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ضروری به نظر می‌رسد.

این تحقیق بر آن است که، با دید علمی و با رویکردی واقع‌نگر، در محدوده اطلاعات موجود، روند تحولات سن ازدواج و مهم‌تر از آن، تأثیر برخی از عوامل مؤثر بر آن، از جمله تحصیلات، اشتغال، شهرنشینی و نسبت جنسی سنجیده شود.

مروری بر ادبیات موضوع

سن ازدواج در ایران، بر اثر تحولات ژرفی که در اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی صورت گرفته است، مراحل انتقالی خود را طی می‌کند و مشخصات قبلی آن دستخوش دگرگونی شده، چنان که تمایلی به مشابهت با خصوصیات ازدواج در جوامع صنعتی پدید آمده است.

بهنام با استفاده از اطلاعات سرشماری ۴۵ - ۱۳۵۵ به بررسی وضعیت ازدواج بر حسب جنس پرداخت. نتایج بررسی وی حاکی از آن است که در سال ۱۳۳۵ عمومیت ازدواج در بین زنان نسبت به مردان و همچنین در روستا نسبت به شهر بالاتر بوده است. در سال ۱۳۴۵ عمومیت ازدواج همچنان بالا بوده است، اما در گروه سنی قبل از ۱۵ سال فقط ۲/۳ درصد زنان ازدواج کرده‌اند. وی در توصیف روند تحولات سن ازدواج به ذکر عواملی چون انتشار آموزش متوسطه و عالی، طولانی شدن دوره تحصیلی، تغییر شیوه همسرگزینی، مشکلات مالی ناشی از مقتضیات زندگی جدید، رواج روزافزون سرگرمی‌ها و تفریحات بیرون از خانه و باب شدن روابط آزاد دو جنس و وضع قوانین خاص در خصوص ازدواج اشاره کرده است (بهنام، ۱۳۴۸: ۱۵۷-۱۲۹).

«ویلیام گود»^۱ در خصوص سن ازدواج، تئوری مدرنیزاسیون را ارائه می‌دهد. طبق این نظریه، نوسازی در سطوح فردی و اجتماعی با تأثیرگذاری بر زمان ازدواج صورت می‌گیرد. وی به فاکتورهای مهمی چون گسترش فرصت‌های تحصیلی، تغییر در نیروی کار و فعالیت‌های شغلی، اشتغال زنان و شهرنشینی اشاره دارد. همچنین اعتقاد دارد افرادی که در مناطق شهری زندگی می‌کنند، به دلیل شیوه‌های زندگی متفاوت و نیز کنترل اجتماعی ضعیف‌تر نسبت به مناطق روستایی ازدواج‌شان با تأخیر صورت می‌گیرد (گود، ۱۹۶۳).

«دیکسون»^۲ بر سه متغیر: دسترسی،^۳ امکان^۴ و تمایل^۵ تأکید می‌ورزد و چنین می‌پندارد که این سه متغیر، اثرات ساختار اجتماعی بر الگوهای ازدواج را تعدیل می‌بخشند. طبق نظر دیکسون متغیر «دسترسی» به وسیله توازن نسبت سنی - جنسی افراد در سن ازدواج و روش‌های انتخاب همسر (تنظیم‌شده یا انتخاب آزاد) تعیین می‌شود. وی اظهار می‌دارد،

-
1. William Good
 2. Ruth Dixon
 3. Availability
 4. Feasibility
 5. Desirability

جایی که عدم توازن جدی در نسبت سنی - جنسی جمعیت در سن ازدواج وجود دارد، برخی از ازدواج‌ها با تأخیر مواجه هستند و جایی که افراد جوان برای انتخاب همسر آزاد هستند، ازدواج‌ها نسبت به جایی که همسران از سوی والدین انتخاب می‌شوند، دیرتر اتفاق می‌افتد. متغیر «امکان»، مربوط به وضعیت اجتماعی و اقتصادی می‌شود که برای زوج‌های جوان برای تشکیل خانواده ضروری است. همچنین در نواحی شهری به دلیل تأکید اساسی بر مسئولیت‌های فردی قبل از ازدواج و نیاز به توسعه و کسب مهارت‌ها و به دست آوردن تجربه برای اداره یک خانواده مستقل، ازدواج‌شان نسبت به نواحی روستایی به تأخیر می‌افتد. متغیر «تمایل» از سوی فشار اجتماعی که شامل پاداش اجتماعی از قبیل: عشق و عاطفه، حمایت اقتصادی، حفظ اصل و نسب و احساس خوشی در سالخوردگی و مجازات اجتماعی از قبیل انزوای اجتماعی و ننگ و رسوایی به دلیل بی‌فرزندگی یا مجرد قطعی از یک سن معین به بالا برای ازدواج تعریف شده است.

چنانچه پاداش اجتماعی برای مجرد در سن معین بیشتر از مجازات آن باشد، یقیناً ازدواج با تأخیر صورت می‌گیرد (دیکسون، ۱۹۹۷: ۲۳۳ - ۲۱۵). «نگوین»^۱ به تحلیل الگوهای سن اولین ازدواج مردان و زنان در ویتنام می‌پردازد. وی اشاره می‌کند که از سال ۱۹۴۵ هنجارهای ازدواج سنتی در اثر تغییرات اقتصادی، اجتماعی و آشفستگی‌های وقایع سیاسی رو به ضعف نهاد. وی اعتقاد دارد، توسعه سیستم آموزشی و افزایش کسب تحصیلات سبب به وجود آمدن ایده‌ها و نگرش‌های جدیدی در باره ازدواج می‌شود. از عوامل دیگر اشتغال زنان در بخش‌های غیر کشاورزی و افزایش درآمد آنان سبب استقلال اقتصادی افراد از والدین است. این مسئله، بر شیوه همسرگزینی تأثیر گذاشته و تمایل بیشتر به انتخاب آزادانه همسر آینده و اعتقاد به حقوق برابر بین زنان و مردان در زنان ایجاد کرده است. همچنین شرایط سخت زندگی در سال‌های اخیر و مشکلات دستیابی به فرصت‌های شغلی در ویتنام سبب تأخیر در ازدواج شده است (نگوین، ۱۹۷۷: ۷۴ - ۴۹).

مطالعه دیگری از سوی «مک دونالد»^۲ و «هیول»^۳ در سال ۱۹۹۴ در استرالیا انجام شده است. آنان علاوه بر عوامل فوق‌الذکر به پدیده‌ای به نام «عدم تعادل جنسی به هنگام ازدواج»^۴ اشاره دارند. از آنجایی که ازدواج‌ها معمولاً با یک فاصله سنی بین زن و مرد (مثلاً ۵ سال و اغلب به نفع مرد) صورت می‌گیرد، در جوامعی که جمعیت جوان دارند و هرم سنی آنها مثلثی شکل است، ازدواج افراد از دو گروه متفاوت که تعداد جمعیت‌شان یکسان نیست، سبب می‌شود، عده‌ای از زنان، مجرد باقی بمانند و فرصت دستیابی به زوج مناسب

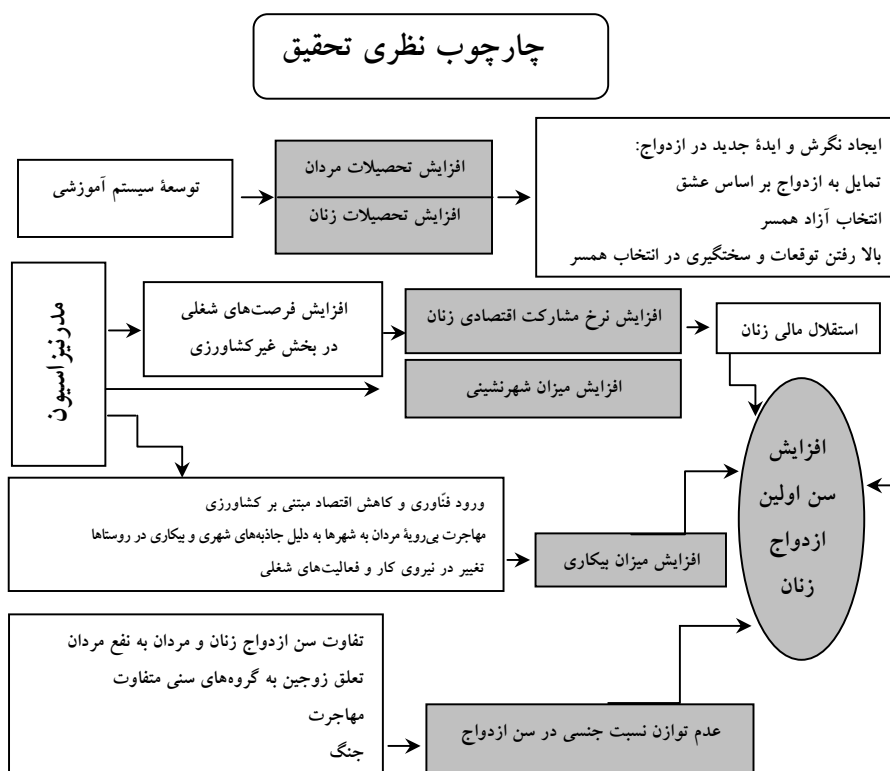
1. Nguyen Huu Minh

2. Mc Donald Peter

3. Vanden Heuvel

4. Marriag squeeze

را از دست بدهند. این پدیده، علاوه بر جوانی جمعیت از عوامل مختلفی از قبیل افزایش مهاجرت مردانی به داخل یا خارج یک ناحیه و یا فقدان بسیاری از مردان در اثر جنگ می‌تواند ناشی شود. آنان همچنین مثل سایر صاحب‌نظران به عامل «میزان آزادی در انتخاب همسر»^۱ اشاره دارند. ازدواج‌های ترتیب‌یافته^۲ نسبت به ازدواج‌های انتخاب آزاد به دلیل آنکه مسئولیت بزرگی برای خانواده محسوب می‌شود و از سوی والدین یا خویشان و یا واسطه‌ها^۳ صورت می‌گیرد، در سنین پایین‌تری اتفاق می‌افتد (هیول و مک دونالد، ۱۹۹۴: ۹۰ - ۶۹).



1. Free choice
2. Arranged Marriage
3. Match Makers

متغیرهای تحقیق

- متغیر وابسته:
- میانگین سن در اولین ازدواج زنان (شهری و روستایی)
- متغیرهای مستقل:
- میزان باسوادی (شهر - روستا)
- میزان تحصیلات عالی زنان (شهری - روستایی)
- میزان تحصیلات عالی مردان (شهری - روستایی)
- نرخ مشارکت اقتصادی زنان (شهری - روستایی)
- میزان شهرنشینی
- نسبت جنسی
- میزان بیکاری مردان (شهری - روستایی)

فرضیات تحقیق

- میزان باسوادی زنان با میانگین سن اولین ازدواج زنان ارتباط مستقیم دارد.
- میزان باسوادی مردان با میانگین سن اولین ازدواج زنان ارتباط مستقیم دارد.
- میزان تحصیلات عالی زنان با میانگین سن اولین ازدواج آنان ارتباط مستقیم دارد.
- میزان تحصیلات عالی مردان با میانگین سن اولین ازدواج زنان ارتباط مستقیم دارد.
- نرخ مشارکت اقتصادی زنان با میانگین سن اولین ازدواج زنان ارتباط مستقیم دارد.
- میزان شهرنشینی با میانگین سن اولین ازدواج زنان ارتباط مستقیم دارد.
- نسبت جنسی با میانگین سن اولین ازدواج زنان ارتباط معکوس دارد.
- میزان بیکاری مردان با میانگین سن اولین ازدواج زنان ارتباط مستقیم دارد.

روش تحقیق

در بررسی حاضر، از روش اسنادی استفاده شده است که مشاهده و تجربه‌ای با واسطه و غیرمستقیم محسوب می‌شود. این روش، جزء روش‌های غیرمزاخم^۱ و غیرواکنشی^۲ است و اطلاعات به دست آمده از آن، جبهه‌ای نیست؛ به این دلیل که هنگام استفاده از دیگر روش‌ها نظیر مشاهده، مصاحبه و... مشکل اساسی جمع‌آوری اطلاعات است و حال آنکه به هنگام کاربرد روش‌های اسنادی اطلاعات موجودند (ساروخانی، ۱۳۷۲: ۲۵۸).

1. Unobtrusive Measures
2. Non-Reactive Measures

در این مطالعه، از دو دسته اسناد بهره برده شده است:

الف) در بخش نظری، مراجعه به کتب و رسالات موجود در مراکز مختلف علمی و دانشگاهی، نشریات و مجلات مختلف جمعیت‌شناسی، جامعه‌شناسی در ارتباط با موضوع مورد نظر، لازم و ضروری بود. این اطلاعات، به محقق در جهت افزایش آگاهی نسبت به تحقیقات و بررسی‌های مختلفی که تاکنون در این زمینه صورت گرفته است و آنچه را که می‌توان در چنین مطالعه‌ای مدنظر قرارداد و به انجام رساند، کمک کرد؛

ب) در مرحله دوم (بخش عملی)، اطلاعات عملی و تجربی با استفاده از داده‌های موجود در نشریه‌های سرشماری مرکز آمار طی سال‌های ۸۵-۱۳۵۵ به دست آمده است.

جامعه آماری

در این بررسی، از نمونه‌گیری خودداری شده و جامعه نمونه منطبق بر جامعه آماری است. این تحقیق، به صورت پهنانگر در سطح کلان به بررسی روند تحولات میانگین سن در اولین ازدواج طی دهه‌های ۸۵-۱۳۵۵ در سطح استان‌ها به تفکیک مناطق شهری - روستایی پرداخته است.

واحد تحلیل

واحد تحلیل این تحقیق را استان‌های کشور طی چهار سرشماری تشکیل می‌دهند.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در مطالعه حاضر، برای آزمون وجود یا عدم وجود ارتباط بین متغیرهای مستقل و وابسته از رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است. این عملیات با استفاده از قابلیت نرم‌افزار SPSS انجام شده است.

یافته‌های تحقیق

هدف اصلی در این تحقیق، بررسی اجمالی روند تحولات ازدواج در ایران و تأثیر عوامل اجتماعی - جمعیتی بر آن بین سال‌های ۸۵-۱۳۵۵ بود. برای رسیدن به این هدف، ابتدا با مطالعه نظریه‌ها و تحقیقات انجام‌شده در این زمینه، چارچوب نظری تحقیق ترسیم شد. به دلیل تمام‌سرشماری و منطبق بودن جامعه آماری با جامعه نمونه از نمونه‌گیری خودداری شد.

متغیر وابسته در این بررسی، میانگین سن اولین ازدواج زنان و متغیرهای مستقل عبارت‌اند از: میزان باسوادی مردان و زنان، میزان تحصیلات عالی به تفکیک جنس،

میزان اشتغال زنان به تفکیک مناطق، میزان بیکاری مردان به تفکیک مناطق، میزان شهرنشینی و نسبت جنسی است. فرضیه‌های تحقیق به طور خلاصه عبارت‌اند از: میزان باسوادی، میزان شهرنشینی، میزان تحصیلات عالی، میزان مشارکت اقتصادی زنان و میزان بیکاری مردان ارتباط مستقیم با میانگین سن اولین ازدواج زنان دارد و نسبت جنسی ارتباط معکوس با میانگین سن اولین ازدواج زنان دارد.

توصیف یافته‌های تحقیق

میانگین سن در اولین ازدواج زنان طی سال‌های ۷۵-۱۳۵۵ در استان‌های گیلان و مازندران دارای بالاترین میزان و استان‌های هرمزگان و بوشهر دارای پایین‌ترین میزان است. همچنین طی دو سرشماری (۸۵-۱۳۷۵) این شاخص در مناطق شهری و روستایی افزایش یافته است. در سال ۱۳۷۵ بیشترین میزان مربوط به استان‌های گیلان، ایلام و کرمان و کمترین میزان مربوط به استان‌های قم، یزد و اصفهان است. در سال ۱۳۸۵ بیشترین میزان به استان‌های کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد و کمترین میزان به استان‌های مازندران، یزد و سیستان و بلوچستان اختصاص دارد.

چنانچه در جدول (۱) ملاحظه می‌شود، میانگین سن ازدواج زنان در سال ۱۳۵۵، ۱۹/۵۵ و حداقل سن ازدواج ۱۶/۷۷ و حداکثر ۲۱/۹۱ است؛ یعنی سن ازدواج در یک طیف ۵/۱۴ سال در نوسان بود. در سال ۱۳۶۵ میانگین سن ازدواج اندکی کاهش یافته و به ۱۹/۴۲ سال رسیده است. حداقل سن ازدواج ۱۴/۱۴ سال که در مقایسه با سال ۱۳۵۵ (۱۶/۷۷) کاهش قابل توجهی داشته است که بخشی از این تغییرات می‌تواند ناشی از تغییر سیاست‌های جمعیتی دولت بعد از انقلاب اسلامی و تشویق مردم برای ازدواج باشد.

نوسانات میانگین سن ازدواج زنان شهری و روستایی در سطح کل کشور مشابه سطح استان است و کاهشی در حدود یک سال در سال ۱۳۶۵ دیده می‌شود و سپس در سال ۱۳۷۵ مجدداً میانگین سن ازدواج زنان افزایش یافته است؛ یعنی در شهر از ۱۹/۴۸ به ۲۱/۲۶ و در روستا از ۱۹/۴۸ به ۲۲/۵۴ رسیده است. بخشی از این افزایش، در نتیجه توسعه سیستم آموزشی به ویژه در سطح عالی و تغییر نگرش جوانان در امر ازدواج، جوانی جمعیت، اشتغال زنان در خارج از خانه و فزونی تعداد زنان نسبت به مردان در سن ازدواج (عدم تعادل جنسی به هنگام ازدواج) است.

جدول (۱) مقادیر شاخص‌های تمایل به مرکز و پراکندگی میانگین سن ازدواج به تفکیک مناطق و دوره‌های سرشماری

۱۳۶۵			۱۳۵۵			سال	
کل	روستایی	شهری	کل	روستایی	شهری	میانگین	واریانس
۱۹/۴۲	۱۹/۴۸	۱۹/۴۸	۱۹/۵۵	۱۹/۶۷	۲۰/۲۳	۱/۴۳	۱/۴۳
۱۷/۰	۲/۰۴	۱/۷۰	۱/۱۳	۱/۱۱	۱۶/۳۴	۲۳/۴۱	۲۲/۹۱
۱۴/۱۴	۱۳/۸۲	۱۵/۰۸	۱۶/۷۷	۱۷/۰۵	۲۳/۴۱	۲۳/۴۱	۲۳/۴۱
۲۲/۹۱	۲۳/۰۸	۲۳/۰۳	۲۱/۹۱	۲۲/۱۶	۲۳/۴۱		

در جدول (۲) مشاهده می‌شود که در سال ۱۳۷۵ میانگین سن در اولین ازدواج زنان در مناطق شهری و روستایی به ترتیب ۲۱/۲۶ و ۲۱/۵۴ افزایش یافته است و در سال ۱۳۸۵ این شاخص به ترتیب زنان شهری و روستایی به ۲۳/۲۸ و ۲۳/۳۶ رسیده است. همان طوری که ملاحظه می‌شود، میانگین سن در اولین ازدواج بین زنان شهری و روستایی طی دو سرشماری ۸۵-۱۳۷۵ از تفاوت قابل توجهی برخوردار نیست.

جدول (۲) مقادیر شاخص‌های تمایل به مرکز و پراکندگی میانگین سن در اولین ازدواج به تفکیک جنس، مناطق و دوره‌های سرشماری

۱۳۸۵				۱۳۷۵				سال
روستایی		شهری		روستایی		شهری		
مردان	زنان	مردان	زنان	مردان	زنان	مردان	زنان	شاخص
۲۳/۴۶	۲۱/۹۲	۲۴/۱۰	۲۱/۳۸	۲۲/۵۸	۱۹/۸۱	۲۳/۷۲	۲۰/۱۱	حداقل
۲۸/۲۱	۲۵/۸۷	۲۸/۱۵	۲۵/۱۷	۲۵/۷۶	۲۳/۲۳	۲۵/۸۹	۲۲/۲۳	حداکثر
۲۵/۷۳	۲۳/۳۶	۲۶/۳۲	۲۳/۲۸	۲۳/۸۸	۲۱/۵۴	۲۴/۵۴	۲۱/۲۶	میانگین
۰/۹۲	۰/۷	۰/۷۴	۰/۶۳	۰/۴۳	۰/۷۸	۰/۳	۰/۳	واریانس

متغیرهای میزان باسوادی، تحصیلات عالی، میزان شهرنشینی و میزان اشتغال زنان طی دو دوره ۶۵-۱۳۵۵ و ۷۵-۱۳۶۵ در مناطق روستایی و شهری، افزایش و متغیر میزان بیکاری ابتدا افزایش و سپس کاهش و نسبت جنسی طی دوره‌های یادشده کاهش یافته است. لازم به ذکر است، برای پرهیز از طولانی شدن مقاله از آوردن جداول مربوط به متغیرهای مستقل خودداری شده است:

■ میزان باسوادی طی دو سرشماری ۸۵-۱۳۷۵ از یک روند افزایشی برخوردار بوده است و میزان باسوادی برای هر دو جنس در مناطق شهری بالاتر از مناطق روستایی است؛

- بر اساس یافته‌های به دست آمده نسبت جنسی بین سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ اندکی کاهش یافته است از ۱۰۳/۳۳ در سال ۱۳۷۵ به ۱۰۳/۱۲۷ در سال ۱۳۸۵ رسیده است؛
- میزان تحصیلات عالی نیز همانند میزان باسوادی طی ده سال روند افزایشی برای هر دو جنس و مناطق شهری - روستایی را طی کرده است؛ همچنین مردان و زنان شهری در مقایسه با مردان و زنان روستایی دارای تحصیلات عالی بالاتری هستند. نکته قابل توجه این است که میزان تحصیلات عالی زنان شهری و روستایی نسبت به مردان طی این دوره از روند افزایشی بالاتری برخوردار بوده، به طوری که طی ده سال تفاوت این میزان بین دو جنس به حداقل رسیده است؛
- نرخ مشارکت اقتصادی زنان طی دوره ۸۵-۱۳۷۵ در مناطق شهری و روستایی افزایش یافته است؛
- میزان شهرنشینی نیز از یک روند افزایشی (از ۵۶/۸۲ به ۶۲/۶۴) برخوردار است؛
- میزان بیکاری مردان طی ۱۰ سال در مناطق شهری از ۹/۱۶ به ۸/۹ رسیده و از یک روند کاهشی برخوردار است، اما در مناطق روستایی این روند معکوس بوده و طی دو سرشماری افزایش یافته است.

عوامل مؤثر بر تحولات سن ازدواج

- بر اساس یافته‌های تحقیق، مهم‌ترین متغیرهای مستقلی که طی چهار سرشماری با متغیر وابسته رابطه معنادار دارد، میزان بیکاری مردان، میزان شهرنشینی، نسبت جنسی، میزان باسوادی و تحصیلات عالی است. بر اساس جدول (۳) ضریب تعیین برابر ۵۰ درصد است؛ در واقع، ۵۰ درصد از تغییرات میانگین سن ازدواج زنان توسط متغیرهای مستقل تحقیق تبیین می‌شود.
- طی بررسی ملاحظه شد، در سال ۱۳۵۵ مهم‌ترین متغیر مؤثر بر میانگین سن ازدواج زنان، میزان باسوادی و کم‌اهمیت‌ترین متغیر درصد میزان تحصیلات عالی است. میزان باسوادی و تحصیلات عالی ارتباط مستقیم با متغیر وابسته و نسبت جنسی ارتباط معکوس با آن دارد؛ یعنی با افزایش میزان باسوادی و تحصیلات عالی، میانگین سن ازدواج زنان بالا می‌رود.
- در مناطق شهری، مهم‌ترین متغیر مؤثر میزان باسوادی، نسبت جنسی، میزان بیکاری مردان و نرخ مشارکت اقتصادی زنان و در مناطق روستایی مهم‌ترین متغیر میزان باسوادی است؛ همچنین متغیرهای میزان بیکاری مردان و میزان مشارکت اقتصادی زنان نیز بر تغییرات میانگین سن ازدواج زنان تأثیرگذارند.

جدول (۳) خصوصیات مدل رگرسیونی نهایی متغیرهای تحقیق (۱۳۵۵)

متغیرهای پیش‌بینی کننده	ضریب تبیین (R ^۲)	ضریب مدل رگرسیون (R)	مدل رگرسیون چند متغیره	ردیف
میزان باسوادی میزان تحصیلات عالی میزان مشارکت اقتصادی زنان میزان شهرنشینی نسبت جنسی	۰/۵۰	۰/۷۱	مدل چند متغیره کل	۱
تحصیلات عالی میزان بیکاری مردان نرخ مشارکت اقتصادی زنان میزان بیکاری مردان	۰/۴۰	۰/۶۳	مدل چند متغیره مناطق شهری	۲
میزان باسوادی نسبت جنسی نرخ مشارکت اقتصادی زنان میزان بیکاری مردان	۰/۴۵	۰/۶۷	مدل چند متغیره مناطق روستایی	۳

در سال ۱۳۶۵ میزان باسوادی، نرخ مشارکت اقتصادی زنان و نسبت جنسی از مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذارند. در مناطق شهری، میزان تحصیلات عالی مهم‌ترین متغیر است. همچنین میزان بیکاری مردان و نرخ مشارکت اقتصادی زنان نیز بر تغییرات میانگین سن اولین ازدواج زنان تأثیر دارد. در مناطق روستایی، به جز تحصیلات عالی، سایر متغیرها در نوسانات سن ازدواج زنان مؤثر هستند و متغیر نسبت جنسی مهم‌ترین متغیر مؤثر است که ارتباط معکوس با میانگین سن ازدواج دارد.

جدول (۴) خصوصیات مدل رگرسیونی نهایی متغیرهای تحقیق (۱۳۶۵)

متغیرهای پیش‌بینی کننده	ضریب تبیین (R ^۲)	ضریب مدل رگرسیون (R)	مدل رگرسیون چند متغیره	ردیف
میزان باسوادی - میزان تحصیلات عالی نسبت جنسی میزان شهرنشینی میزان بیکاری نرخ مشارکت اقتصادی زنان	۰/۳۶	۰/۶	مدل چند متغیره کل	۱
میزان باسوادی میزان تحصیلات عالی نسبت جنسی میزان بیکاری نرخ مشارکت اقتصادی زنان	۰/۲۵	۰/۵۰	مدل چند متغیره مناطق شهری	۲
میزان باسوادی میزان تحصیلات عالی نسبت جنسی نرخ مشارکت اقتصادی زنان	۰/۱۹	۰/۴۳	مدل چند متغیره مناطق روستایی	۳

■ در سال ۱۳۷۵ به طور کلی ۴۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته با سه متغیر میزان بیکاری، میزان باسوادی و نسبت جنسی تبیین می‌شود و تأثیر دو متغیر باسوادی و بیکاری مستقیم است؛ یعنی با افزایش باسوادی و بیکاری سن ازدواج بالا می‌رود و همچنین به دلیل رابطه معکوس بین نسبت جنسی و سن ازدواج با کاهش نسبت جنسی سن ازدواج کاهش می‌یابد.

■ در مناطق شهری در سال ۱۳۷۵ متغیرهای میزان بیکاری و میزان تحصیلات عالی زنان - مردان ۵۱ درصد از تغییرات سن ازدواج را تبیین می‌کنند و رابطه مستقیم با متغیر وابسته دارند و در مناطق روستایی مهم‌ترین متغیر تأثیرگذار میزان بیکاری بوده است که ۱۹ درصد از تغییرات سن ازدواج را تبیین می‌کند.

جدول (۵) خصوصیات مدل رگرسیونی نهایی متغیرهای تحقیق (۲۶ - تعداد استان) سال ۱۳۷۵

ردیف	مدل رگرسیون چندمتغیره	ضریب مدل رگرسیون (R)	ضریب تعیین (R^2)	متغیرهای پیش‌بینی کننده
۱	مدل چندمتغیره کل	۰/۶۷	۰/۴۵	- میزان بیکاری مردان - میزان باسوادی مردان - نسبت جنسی
۲	مدل چندمتغیره مناطق شهری	۰/۷۲	۰/۵۱	- میزان بیکاری مردان شهری - میزان تحصیلات عالی زنان شهری - میزان تحصیلات عالی مردان شهری
۳	مدل چندمتغیره مناطق روستایی	۰/۴۴	۰/۱۹	میزان بیکاری مردان روستایی

همچنین با بهره‌گیری از مقدار ضریب بتا (β) میزان تأثیر و اهمیت هر متغیر و علامت ضریب (مثبت - منفی)، برای این تأثیر (افزایش یا کاهش) مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره در جدول (۶) نشان می‌دهد که در مدل استانی متغیرهای میزان باسوادی مردان، میزان بیکاری مردان و نسبت جنسی به ترتیب با ضریب بتا (β) معادل ۰/۳۱، ۰/۴۲ و ۰/۵۰- وارد معادله شده‌اند. با توجه به ضرایب بتا ملاحظه می‌شود که متغیر نسبت جنسی بیشترین و متغیر میزان باسوادی مردان کمترین تغییرات میانگین سن اولین ازدواج زنان را تبیین می‌کنند؛ همچنین میزان باسوادی مردان و میزان بیکاری مردان، اثر افزایشی و متغیر نسبت جنسی، اثر تضعیفی (کاهش) بر متغیر وابسته دارند. در مدل شهری همان طور که در جدول (۶) ملاحظه می‌شود متغیرهای میزان تحصیلات عالی مردان و زنان و میزان بیکاری مردان به ترتیب با ضریب بتا ۰/۵۹، ۰/۵۲ و ۰/۳۹ وارد معادله شده‌اند و هر سه متغیر اثر افزایشی بر متغیر میانگین سن ازدواج زنان شهری دارند. در مدل روستایی متغیر میزان بیکاری

مردان با ضریب بتا معادل ۰/۴۴ وارد معادله شده است و اثر افزایشی بر میانگین سن ازدواج زنان روستایی دارد.

جدول (۶) مشخص‌کننده‌های آماری میزان و جهت تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته در مدل نهایی به تفکیک مناطق سال ۱۳۷۵

ردیف	متغیرهای پیش‌بینی‌کننده (مستقل)	ضرایب β و سطح معناداری آنها در مدل‌های رگرسیونی چندمتغیره			t	Sig.
		کل (y_1)	شهری (y_2)	روستایی (y_3)		
۱	میزان باسوادی مردان	۰/۳۱۱			۱/۹۴	۰/۰۵
۲	میزان بیکاری مردان	۰/۴۱۶			۲/۶۰۸	۰/۰۱
۳	نسبت جنسی	-۰/۵۰۲			-۳/۱۳۱	۰/۰۰۵
۴	میزان بیکاری مردان شهری		۰/۳۹۳		۲/۴۴۵	۰/۰۲
۵	میزان تحصیلات عالی زنان شهری		۰/۵۱۵		۲/۲۹۴	۰/۰۳
۶	میزان تحصیلات عالی مردان شهری		۰/۵۹۶		۳/۱۴۸	۰/۰۰۵
۷	میزان بیکاری مردان روستایی			۰/۴۳۹	۲/۳۹۷	۰/۰۲

مدل نهایی رگرسیونی چندمتغیره کل (استان‌ها) (۱۳۷۵)
 $Y_1 = 0.311 + 0.416 \text{ میزان بیکاری مردان} - 0.502 \text{ نسبت جنسی}$
 (میانگین سن اولین ازدواج زنان)

مدل نهایی رگرسیون چندمتغیره مناطق شهری (۱۳۷۵)
 $Y_4 = 0.393 + 0.515 \text{ میزان تحصیلات عالی زنان} + 0.596 \text{ میزان تحصیلات عالی مردان}$
 (میانگین سن اولین ازدواج زنان شهری)

مدل نهایی رگرسیون چندمتغیره مناطق روستایی (۱۳۷۵)
 $Y_3 = 0.439$
 (میانگین سن اولین ازدواج زنان روستایی)

در سال ۱۳۸۵ مهم‌ترین متغیرهای مستقل تبیین‌کننده میزان باسوادی، بیکاری، شهرنشینی، میزان تحصیلات عالی است. در سطح کلی، سه متغیر میزان باسوادی، بیکاری و شهرنشینی ۳۵ درصد از تغییرات (افزایشی میانگین سن ازدواج زنان) را به عهده دارند و این رابطه مستقیم بوده است؛ یعنی با افزایش متغیرهای مستقل، سن ازدواج افزایش می‌یابد. در مناطق شهری، ۲۷ درصد از تغییرات سن ازدواج با متغیر میزان باسوادی و بیکاری قابل تبیین بوده و سهم میزان بیکاری بیشتر از باسوادی است. در مناطق روستایی، تحصیلات عالی و بیکاری ۱۶ درصد از تغییرات سن ازدواج را سبب شده‌اند.

جدول (۷) خصوصیات مدل رگرسیونی متغیرهای تحقیق (۳۰= تعداد استان)
سال ۱۳۸۵

ردیف	مدل رگرسیون چندمتغیره	ضریب مدل رگرسیون (R)	ضریب تعیین (R^2)	متغیرهای پیش‌بینی کننده
۱	مدل چندمتغیره کل	۰/۵۹۳	۰/۳۵	- میزان باسوادی مردان - میزان بیکاری مردان - میزان شهرنشینی
۲	مدل چندمتغیره مناطق شهری	۰/۵۱۴	۰/۲۷	- میزان باسوادی مردان شهری - میزان بیکاری مردان شهری
۳	مدل چندمتغیره مناطق روستایی	۰/۴۰۱	۰/۱۶	- تحصیلات عالی مردان روستایی - تحصیلات عالی زنان روستایی - میزان بیکاری مردان

همچنین نتایج جدول (۸) نشان می‌دهد که در مدل استانی متغیرهای میزان باسوادی مردان، میزان بیکاری مردان و میزان شهرنشینی به ترتیب با ضریب بتا (β) معادل ۰/۴۵، ۰/۴۴ و ۰/۳۳ وارد معادله شده است و بر متغیر وابسته میانگین سن ازدواج زنان تأثیر افزایشی دارند. در مناطق شهری با توجه به ضرایب بتا (β) متغیرهای میزان بیکاری (۰/۴۳) و میزان باسوادی مردان شهری (۰/۴۱) از عوامل مؤثر هستند. در مناطق روستایی، سه متغیر میزان تحصیلات عالی مردان و زنان روستایی و میزان بیکاری مردان روستایی به ترتیب با ضریب بتا (β) ۰/۸۸، ۰/۷۷ و ۰/۴۶ در تغییرات متغیر وابسته مؤثر هستند.

جدول (۸) مشخص‌کننده‌های آماری میزان و جهت تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته در مدل نهایی به تفکیک مناطق سال ۱۳۸۵

ردیف	متغیرهای پیش‌بینی کننده (مستقل)	ضرایب β و سطح معناداری آنها در مدل‌های رگرسیونی چندمتغیره		
		کل (y_1)	شهری (y_2)	روستایی (y_3)
۱	میزان باسوادی مردان	۰/۴۵		
۲	میزان بیکاری مردان	۰/۴۴		
۳	شهرنشینی	۰/۳۳		
۴	میزان باسوادی مردان شهری		۰/۴۱	
۵	میزان بیکاری مردان شهری		۰/۴۳	
۶	میزان تحصیلات عالی مردان روستایی			-۰/۷۷
۷	میزان تحصیلات عالی زنان روستایی			۰/۸۸
۸	میزان بیکاری مردان روستایی			۰/۴۶

مدل نهایی رگرسیون چندمتغیره کل

میزان شهرنشینی $0/۳۳$ + میزان بیکاری مردان $0/۴۴$ + میزان باسوادی مردان $0/۴۵$ $Y_1 =$
(میانگین سن اولین ازدواج زنان)

مدل نهایی رگرسیون چندمتغیره مناطق شهری

میزان باسوادی مردان $0/۴۱$ + میزان بیکاری مردان $0/۴۳$ $Y_۲ =$
(میانگین سن اولین ازدواج زنان شهری)

مدل نهایی چندمتغیره مناطق روستایی

میزان بیکاری مردان $0/۴۶$ + میزان تحصیلات عالی مردان $0/۷۷$ + میزان تحصیلات عالی زنان $0/۸۸$ $Y_۳ =$
(میانگین سن اولین ازدواج زنان روستایی)

نتیجه گیری

بررسی تحولات سن اولین ازدواج زنان طی سال‌های ۸۵-۱۳۵۵ و عوامل تأثیرگذار بر این تغییرات براساس دیدگاه‌های اندیشمندان این حوزه از جمله جمشید بهنام، ویلیام گود، دیکسون و... و اطلاعات چهار دوره سرشماری مرکز آمار ایران مورد بررسی قرار گرفت و با استفاده از نرم افزار SPSS نتایج توصیفی و تحلیلی قابل توجهی به دست آمد. در این بررسی، متغیرهای میزان باسوادی زنان و مردان، میزان تحصیلات عالی زنان و مردان، نسبت جنسی، میزان شهرنشینی، میزان بیکاری مردان و میزان مشارکت اقتصادی زنان مدنظر قرار گرفت.

بر اساس یافته‌های به دست آمده میانگین سن اولین ازدواج زنان (متغیر وابسته) طی سه سرشماری در تمامی استان‌های کشور دارای نوسان بوده است؛ به طوری که ملاحظه می‌شود، میانگین سن اولین ازدواج زنان طی ۶۵-۱۳۵۵ افزایش یافته است. در سال ۷۵-۱۳۶۵ به دلیل وقوع انقلاب اسلامی، تغییر سیاست‌های دولت، تغییر ارزش‌ها و هنجارهای جامعه این میانگین کاهش یافت؛ به طوری که مشاهده می‌شود، در کلیه استان‌های کشور، جوانان به ازدواج در سنین پایین رو آورده‌اند. طی دوره ۸۵-۱۳۷۵ با افزایش میزان باسوادی و طولانی شدن مدت زمان تحصیل زنان و ورود آنان به دانشگاه‌ها و همچنین فراهم شدن بازار کار برای زنان، تمایل به ازدواج در سنین پایین فروکش کرده است و این امر به بعد از اتمام تحصیلات موکول می‌شود؛ از همین رو، ملاحظه می‌شود که در این دوره، سن ازدواج زنان افزایش یافته است. همچنین طبق بررسی به عمل آمده طی سال‌های ۷۵-۱۳۵۵، استان‌های گیلان و مازندران بالاترین میزان میانگین سن اولین ازدواج زنان و استان‌های هرمزگان و بوشهر، پایین‌ترین میزان ازدواج را به خود اختصاص داده‌اند. در سرشماری سال ۱۳۸۵ بیشترین میزان میانگین

سن اولین ازدواج زنان در استان‌های کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد و کمترین میزان در استان‌های مازندران، یزد و سیستان و بلوچستان مشاهده می‌شود. لازم به ذکر است که، روند تحولات میانگین سن اولین ازدواج زنان در مناطق شهری و روستایی از یک روند مشابه برخوردار است و همزمان با افزایش این متغیر در مناطق شهری، شاهد افزایش در مناطق روستایی نیز هستیم و تفاوت قابل توجهی در هر دو مناطق دیده نمی‌شود.

بررسی متغیرهای مستقل و تأثیرگذار این تحقیق حاکی از وجود نوساناتی طی چهار دوره سرشماری است؛ به طوری که میزان باسوادی، میزان تحصیلات عالی، میزان شهرنشینی و میزان مشارکت اقتصادی زنان طی سه دوره سرشماری در مناطق شهری و روستایی افزایش و متغیر میزان بیکاری مردان ابتدا افزایش و سپس کاهش داشته است و نسبت جنسی طی سال‌های ۷۵-۱۳۵۵ کاهش یافته است؛ همچنین میزان باسوادی، میزان تحصیلات عالی، میزان مشارکت اقتصادی زنان، میزان شهرنشینی و میزان بیکاری مردان طی سال‌های ۸۵-۱۳۷۵ از یک روند افزایشی برخوردار بوده است. همان طوری که می‌دانیم در تبیین متغیرهای اجتماعی بررسی کلیه عوامل تأثیرگذار دشوار و یا غیرممکن است و می‌توان از طریق رگرسیون چند متغیره برخی عوامل قابل سنجش و دخیل در این تغییرات و سهم و میزان تأثیرگذاری را بررسی کرد. در این مطالعه، متغیرهای سواد، تحصیلات عالی، اشتغال، شهرنشینی، نسبت جنسی و بیکاری در محاسبه قرار گرفته‌اند. مشاهده می‌شود، در سال ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵، ۵۰ درصد از تغییرات میانگین سن اولین ازدواج زنان، با متغیرهای مستقل قابل تبیین است و مهم‌ترین متغیر تأثیرگذار در این مقطع زمانی، میزان باسوادی است و با افزایش میزان سواد، سن ازدواج افزایش می‌یابد. در مرتبه بعدی متغیرهای نسبت جنسی، میزان بیکاری مردان و نرخ مشارکت اقتصادی زنان نیز در مناطق شهری و روستایی اثرگذارند. در سال ۱۳۶۵، مهم‌ترین متغیر در مناطق شهری، میزان تحصیلات عالی، میزان بیکاری مردان و نرخ مشارکت اقتصادی زنان است و در مناطق روستایی به جز متغیر تحصیلات عالی، سایر متغیرها در تغییرات میانگین سن ازدواج زنان مؤثر هستند. در سال ۱۳۷۵، ۴۵ درصد از تغییرات، سه متغیر میزان بیکاری، میزان باسوادی و نسبت جنسی تبیین شد. تأثیر میزان بیکاری و باسوادی مستقیم است؛ یعنی با افزایش میزان باسوادی و میزان بیکاری مردان، سن ازدواج زنان بالا می‌رود. همچنین میزان بیکاری، مهم‌ترین متغیر تأثیرگذار بر سن ازدواج زنان در مناطق روستایی است. در سال ۱۳۸۵، میزان باسوادی، میزان تحصیلات عالی و میزان بیکاری، بخش مهمی از تغییرات سن ازدواج را سبب شده‌اند. طی دو دوره سرشماری ۸۵-۱۳۷۵ از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر میانگین سن ازدواج زنان، می‌توان

به میزان بیکاری مردان و تحصیلات عالی اشاره کرد که، با افزایش مدت زمان تحصیل، امر ازدواج به بعد از اتمام تحصیل و یافتن شغل و درآمد مناسب موکول می شود.

منابع

- بهنام، جمشید (۱۳۵۰). *ساخت‌های خانواده و خویشاوندی در ایران*. چاپ اول، تهران: انتشارات خوارزمی.
- بهنام، جمشید (۱۳۴۸). *مقدمه بر جامعه‌شناسی ایران*. تهران: محمدعلی علمی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۲). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، اصول و مبانی*. چاپ اول، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- سلطان‌پور، عقیده (۱۳۷۹). *روزنامه همشهری*. سال نهم، شماره ۳۲۲۳، سه‌شنبه ۴ بهمن، ص ۱۲.
- کتابی، احمد (۱۳۷۹). *مفاهیم جمعیت‌شناسی در فرهنگ و ادب پارسی*. فصلنامه جمعیت، شماره ۳۱ و ۳۲، بهار، تابستان.
- گود، ویلیام، جی (۱۳۵۲). *خانواده و جامعه*. ترجمه و ویدا ناصحی، تهران: انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- سگالن، مارتین (۱۳۷۰). *جامعه‌شناسی تاریخی خانواده*. ترجمه حمید الیاسی، چاپ اول، تهران: نشر مرکز.

- Aghajanian, A. (1997). *Family and Family change in Iran*. In C. B. Hennon & T. H. Brubaker (eds.), *Diversity in Families: A Global Perspective*. New York: Wadworth Publishing Company.
- Dixon, R. (1971). Explaining Cross-Cultural Variations in Age at Marriage and Proportions Never Marrying. *Population Studies*, 25(2), 215-233.
- Goode, W. (1963). *World Revolution and Family Patterns*. New York: Free Press.
- Karlsson, G. (1963). *Adaptability and Communication in Marriage*. Totowa (N. J.): Bedminster Press.
- Nguyen Huu, M. (1997). Age at first marriage in Vietnam: Patterns and determinants. *Asia-Pacific Population Journal*, Vol. 19, No. 2, PP 49-74.
- Vanden Heuvel, A. & McDonald, P. (1994). *Marriage and Divorce*. In D. Lucas & P. Mayer (eds.), *Beginning Population Studies*. Canberra: Australian National University, PP 69-90.